چرا دانشگاه دیگر دانش‌گاه نیست؟

دیوید وستبروک استاد دانشگاه و مدیر برنامه بازرگانی و حقوق در دانشگاه بوفالو، نیویورک است. او از چهره‌های باسابقه آکادمیک محسوب می‌شود و در آثار خود به تحلیل بحران‌های دانشگاه‌های مدرن، نقش روشنفکران و اهمیت علوم انسانی در جامعه معاصر می‌پردازد. به گزارش رویداد۲۴، وب‌سایت آن‌هرد نیز در مقاله‌ای به بررسی کتاب «اندیشه اجتماعی از میان ویرانه‌ها» (Social Thought From the Ruins: Quixote's Dinner Party) نوشته دیویدای. وستبروک پرداخته است. این مقاله نشان می‌دهد که دانشگاه‌های مدرن چگونه از آرمان‌های اصلی خود فاصله گرفته و با بوروکراتیزه شدن، تجاری شدن و محدود کردن آزادی اندیشه، توانایی پرورش تفکر اصیل و مستقل را از دست داده‌اند.

«وسی دو توت» نویسنده نشریه آن‌هرد یادداشت خود را از یک صبح دلگیر و بارانی تابستانی در اوایل دهه ۲۰۱۰، آغاز کرده است. نویسنده می گوید: در حالی که وحشت‌زده در اطراف منطقه فارینگدون می‌دویدم، گم شده بودم. در آخرین هفته‌های مقطع کارشناسی‌ام، یکی از امتحاناتم به طور عجیب در بخش دیگری از لندن برگزار شد، در مکانی که حتی از وجودش هم بی خبر بودم. در مسیر رسیدن به این مکان ناآشنا، در میان راهروها، کوچه‌ها و زیرگذرها سرگردان شدم.

دیر به امتحان رسیدم، نمره بدی گرفتم و نهایتا از دریافت درجه ممتاز بازماندم. بدین ترتیب، دوران دانشگاهی من با یک اشتباه در مسیریابی به پایان رسید؛ سال‌ها تلاش سخت با یک خطای ناخواسته نقش بر آب شد. گاهی به آن صبح کابوس‌وار فکر می‌کنم و از خود می‌پرسم آیا مسیر من به عنوان یک دانشگاهی منحرف شد؟ این روزها، اما آن تجربه را بیشتر یک خوش‌شانسی می‌بینم. تقریبا هر چیزی که اکنون درباره دانشگاه می‌شنوم، حتی از داخل آن، مایه سرخوردگی و دلگیری است: دستمزد پایین، کار زیاد، چشم‌انداز شغلی ناچیز و فرهنگی که روز به روز کم‌سوادتر می‌شود، من می‌توانم همه اینها را به عنوان یک نویسنده داشته باشم، بدون یادداشت‌های پایانی و سیاست‌های اداری دفتری.

این سوال مطرح می‌شود که فراتر از تجربه شخصی من است؛ چگونه کسانی که گرایش فکری دارند می‌توانند یک زندگی امن و پرمعنا د ا شته‌باشند؟ و اگر نه دانشگاه و نه جهان بیرون آن قادر به حمایت از فعالیت فکری نیست_به جز تحقیقات پزشکی و فناوری_ پس چه فایده‌ای دارد که چنین آرزوهایی را پرورش دهیم؟ این پرسش‌ها در کتاب تازه دیویدای. وستبروک، «اندیشه اجتماعی از میان ویرانه‌ها»، مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

وستبروک، رییس برنامه کسب و کار و حقوق دانشگاه بافلو در نیویورک، از زاویه‌ای متفاوت به این موضوع می‌پردازد، او یک فرد دانشگاهی باتجربه است که اکنون می‌گوید دیگر دلبسته دانشگاه نیست. «ویرانه‌ها» در عنوان کتاب، مربوط به علوم انسانی و اجتماعی است، رشته‌هایی که ظاهرا روز به روز کمتر قادر به پرورش تفکر اصیل، تعامل سازنده با جامعه مدرن و متقاعد کردن عموم مردم درباره لزوم وجود خود هستند.

وستبروک استدلال می‌کند که بحران دانشگاه فقط برای استادان متعهد زیان‌بار نیست ــ گروهی که او آنها را به دن‌کیشوت سروانتس تشبیه می‌کند؛ کسی که آرزوی شوالیه‌ای نجیب شدن را دارد، در حالی که دوران شوالیه‌گری مدت‌هاست سپری شده ــ بلکه برای همهٔ ما خطرناک است. دنیای معاصر پر از ساختارهای پیچیده است: از بانک‌ها و شرکت‌ها گرفته تا ارتش‌ها و بوروکراسی‌های دولتی، که نیازمند رهبرانی کارآمد برای اداره و منتقدانی شایسته برای رهایی‌شان از خطاهایشان هستند. تنها نهادی شبیه دانشگاه می‌تواند این نقش‌ها را ایفا کند، حتی اگر در حال حاضر چندان موفق نباشد. به‌گفتهٔ وستبروک: «بیماری دانشگاه، بیماری در دستگاه جنسی سیاست است»؛ سرطانی در اندام‌های تولیدمثلی جامعه.

اما نقش دانشگاه در تسهیل ورود به زندگی طبقه متوسط همواره با ایده‌آل‌های سنتی مانند جستجوی حقیقت و پرورش ذهن مستقل در تنش بود. با گسترش دانشگاه‌ها، آنها بوروکراتیزه، تجاری و کودکانه شده‌اند. دانشجویان اکنون شهریه‌های هنگفت می‌پردازند تا دوران نوجوانی طولانی‌شان را زیر نظارت مدیرانی سپری کنند که بیشتر نگران امنیت و رضایت آنها هستند تا رشدشان به عنوان یک بزرگسال. وستبروک در بخشی از کتابش می‌نویسد: ما به آنها یاد می‌دهیم که ضعیف‌اند و جهانشان پست است... و سپس از وضعیت بد گفتمان سیاسی خود تعجب می‌کنیم.

همین نظارت مدیریتی بر اساتید نیز اعمال می‌شود که شغلشان به اهداف عملکردی محدود شده و آزادی اندیشه‌شان قربانی آموزش‌های تحقیرآمیز و ظالمانه شده است. بدین ترتیب، حرفه‌ای‌شدن زندگی فکری، تقریبا برای حیات فکری یا شادی مهلک بوده است.

چگونه اساتید دانشگاه، دانشگاه را از مفهوم تهی کردند؟

البته، استادان دانشگاه نیز در افول نهاد آکادمی بی‌تقصیر نیستند. همان‌طور که دو مدرس جوان در آکسفورد اخیراً گلایه کرده‌اند، بسیاری از رشته‌ها «دگماتیک شده‌اند و به‌طور عجیبی بر دامنه‌ای محدود از مسائل عدالت اجتماعی وسواس پیدا کرده‌اند». وستبروک اشاره می‌کند که این مسئله نیز به امتیازات نهادی «دانشگاه مردمی» بازمی‌گردد. ورود «نظریهٔ» فرانسوی، با تأکید آن بر پروتستری کنشگرانه (activist scholarship)، به استادان این احساس را داد که کاری عمیق‌تر از مهر تأیید زدن بر نسل بعدی حرفه‌ای‌های بورژوا انجام می‌دهند.

نتیجه این شد که، با وجود همه تظاهرها به رادیکالیسم، «نظریه» به ارتدوکسی‌ای سخت و خشک تبدیل شد؛ مجموعه‌ای از اصول که بیشتر شبیه یک اعتقاد دینی بود تا یک چارچوب فکری. مخرب‌ترین اصل در میان این‌ها، از نظر وستبروک، این گزاره است که «قدرت ذاتاً بد است». چنین دیدگاهی عملاً سیاست را ــ که تمام هدفش استفاده از قدرت است ــ کنار می‌گذارد و جای آن را با اعتراض پر می‌کند. و هنگامی که یافتن شرّ متعالیِ قدرت به هدف پژوهش بدل شود، نتیجه آن بی‌میلی فلج‌کننده به جهان واقعی‌ای است که مردم در آن زندگی می‌کنند و شرایط واقعی‌ای که کسانی که قدرت را در دست دارند با آن روبه‌رو هستند. «به‌محض آنکه گناه شناسایی شد، کار روشنفکر تمام است». هیچ‌کدام از این مسائل از چشم عموم پنهان نمانده است، به‌ویژه از جنبش‌های پوپولیستی که دانشگاه را ــ و البته به‌درستی ــ به‌عنوان ستون فقرات قدرت فرهنگی و نهادیِ پیشرو که از آن بیزارند، شناسایی می‌کنند. وستبروک می‌گوید: «ما شاهد از مشروعیت افتادن طبقهٔ ماندارین هستیم؛ همان طبقه‌ای که از طریق آموزش عالی شکل گرفته است».

در ایالات متحده، دونالد ترامپ این بحران را به نقطهٔ اوج رسانده است. او با بهره‌برداری از سقوط اعتماد عمومی، و همچنین خشم ناشی از فعالیت‌های ضداسرائیلی افراطی در پردیس‌ها، بسیاری از دانشگاه‌های معتبر آمریکا را با تهدید به قطع بودجه وادار به تسلیم‌های ایدئولوژیک تحقیرآمیز می‌کند. در بریتانیا نیز، اگر تحسین‌کنندگان ترامپ به قدرت برسند، بی‌تردید کاری مشابه انجام خواهند داد.... ادامه در همین صفحه

PDF Compressor Free Version

معرفی کتاب

پنج قدم فاصله اثر ریچل لیپینکات

کتاب پنج قدم فاصله به قلم ریچل لیپینکات و میکی داتری و توبیاس ایاکونیس، قصهٔ عاشقانه‌ی دو جوان بیمار را به تصویر می‌کشد که هنگام معالجه بیماری‌شان، دلباخته‌ی هم می‌شوند. پنج قدم فاصله (Five feet apart) رمان عاشقانه‌ای است که هر شخصی را می‌تواند شیفته‌ی خود کند. داستان در آن واحد که موضوعی عاشقانه را نقل می‌کند به بحث ناخوشایند و غمناک بیماری خاص نیز می‌پردازد که ممکن است تعداد زیادی از افراد بطور حقیقی از آن رنج ببرند و این موضوع هنگامی سبب آزردگی خاطر بیشتری می‌شود که که افراد دچار عارضه‌ای به نام عشق شوند. عشقی که هیچگاه نتوانند به آن برسند.

استلا و ویل، هر دو با بیماری فیبروز کیستیک دست و پنجه نرم می‌کنند که یک بیماری دستگاه تنفسی است که زمینه عفونت‌های مختلف باکتریایی را در بدن ایجاد می‌کند. این زوج با یک مشکل مواجهند و آن این است که آن‌ها نباید یکدیگر را لمس کنند زیرا یکی از آن‌ها بیماری دیگری علاوه بر فیبروز کیستیک دارد که منتقل می‌شود.

ریچل لیپینکت (Rachael Lippincott)

در این کتاب داستان آشنایی استلا و ویل در بیمارستان را به رشته تحریر درآورده است. آن دو هر چند مدت یکبار باید برای بررسی وضعیت ریه‌هایشان در بیمارستان بستری شوند. ویل که اتاقش کمی آن‌طرف‌تر از استلا است، توجهش به رفتار گرم استلا با بیماران و مسئولان بیمارستان جلب می‌شود و تا طبقه پنجم به دنبال استلا می‌رود تا بتواند چند کلمه‌ای با او صحبت کند.

پس از پایان صحبتشان پرستار به استلا می‌گوید که ویل، علاوه بر داشتن فیبروز کیستیک یک بیماری خطرناک دیگر نیز دارد که تا چند سال دیگر خواهد مرد و به او تذکر می‌دهد که از ویل دوری کند زیرا بیماری ویل واگیردار بوده و اگر استلا آن بیماری را بگیرد سرنوشتی جز سرنوشت ویل نخواهد داشت.

بخشی از کتاب:

لباسم را عوض می‌کنم، آهسته و بااحتیاط راه می‌روم، یک جفت ساق می‌پوشم، تی‌شرت رنگی‌ای که ابی از گرند کنیون برایم آورده بود را به تن می‌کنم. خودم را در آینه نگاه می‌کنم،

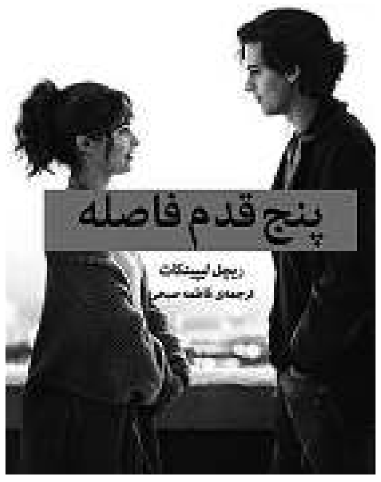

حلقه‌های سیاه دور چشمم در این چند ماه گذشته از همیشه تیره‌تر شده‌اند. موهایم را سریع شانه می‌کنم و دم‌اسبی می‌بندم؛ ولی اخم می‌کنم، آن‌قدرها هم که انتظارش را داشتم خوب نشد.

دوباره موهایم را باز می‌کنم و با رضایت به تصویر خودم در آینه با موهایم که دور شانه‌هایم ریخته نگاه می‌کنم. کیف آرایشم را از انتهای کشو درمی‌آورم و کمی ریمل و برق لب می‌زنم، تصور اینکه ویل نه تنها مرا زنده ببیند، بلکه با کمی آرایش هم ببیند و به چشمانم و به لبان رژدار من نگاه کند، لبخند بر لبانم می‌نشاند. آیا دلش می‌خواهد مرا ببوسد؟

می‌دانم هیچوقت این کار را نخواهیم کرد؛ ولی آیا در دلش چنین چیزی می‌خواهد؟

گونه‌هایم گل می‌اندازد و سرَم را تکان می‌دهم و به او پیام می‌دهم. به او می‌گویم که ده دقیقه‌ی دیگر مرا در تالار اصلی ببینند.

معرفی انیمیشن

نژا ۲ یک انیمیشن چینی که رکوردهای گیشه را شکست!

هیچکس حتی فکرش را هم نمی‌کرد که انیمیشن نژا ۲ موفق شود تا در سال ۲۰۲۵ تبدیل به پرفروش‌ترین انیمیشن دنیا شود. این محصول چینی توانست با فروشی بیش از ۲ میلیارد دلار در جهان رکوردهای زیادی را شکسته و از آثار معروف‌ترین استودیوهای جهان نیز پیشی بگیرد. در سال ۲۰۱۹ یک انیمیشن چینی به اسم نژا به کارگردانی جیائوزی (Jiaozi) ساخته شد و توانست توجهات زیادی را به خود جلب کند. این اثر از روی شخصیتی به نام نژا که در مکتب بودائیسم و اسطوره شناسی چینی مشهور است ساخته شده و داستان آن از روی رمانی به نام تفویض خدایان (Investiture of the Gods) اثر شو ژونگ‌لین (Xu Zhonglin) الهام گرفته شده است. انیمیشن نژا به شدت محبوب شد و توانست موفقیت‌های زیادی در گیشه برای سینمای چین بیافریند. از این رو سازندگان به فکر ساخت قسمت دوم آن افتادند. انیمیشن Ne Zha ۲ دنباله مستقیم قسمت اول است که باری دیگر توسط جیائوزی کارگردانی شد. این اثر توسط منتقدان با نقدهای بسیار خوبی روبه‌رو شد و رفته رفته توانست با فروشی فوق‌العاده تبدیل به پرفروش‌ترین انیمیشن دنیا شود. ژانر انیمیشن نژا ۲ فانتزی، اکشن، ماجراجویی، درام و کمدی است. خلاصه نیمیشن نژا ۲ درباره پسری کوچک به اسم نژا است که از جانب خدایان برگزیده شده است اما پدر و مادری فانی دارد. او رفتاری شیطنت‌آمیز، گاها وحشیانه و غیرقابل پیش‌بینی دارد که گاها بخاطر قدرت‌هایش نمی‌تواند خود را کنترل کند.

ادامه از همین صفحه...

حتی کسانی که خصومت سیاسی ندارند هم شاید بپذیرند که مدت‌هاست زمان آن رسیده دانشگاه‌ها کوچک‌تر شوند؛ میراثی پرهزینه در عصری که حجم عظیمی از دانش آزادانه در دسترس است. بااین‌حال، نشانه‌های اندکی وجود دارد که دنیای بیرون از دانشگاه بتواند یک فرهنگ فکری سالم را حفظ کند. بله، بسیاری از روشنفکران عمومی از پلتفرم‌های جدید استفاده کرده‌اند تا مخاطبان زیادی جذب کنند: چه صعود جردن پیترسون به شهرت از طریق یوتیوب باشد، چه خبرنامه‌های فوق‌العاده موفق اقتصاددانی مثل آدام توز که به یک مفسر سیاست در ساب‌استک تبدیل شد. خود وستبروک در ساب‌استک می‌نویسد، در جشنواره‌های فیلم سخنرانی می‌کند و در یک نمایش تازه از متیو گازدا، نویسندهٔ پرطرفدار نیویورکی، مشارکت داشته است. اما تصادفی نیست که همهٔ این افراد ــ و بسیاری دیگر شبیه آنها ــ بر پایهٔ سال‌ها مطالعه و تدریس در دانشگاه می‌توانند چنین عمقی پیدا کنند. به دلایلِ آشکار مرتبط با زمان و پول، به‌ندرت پیش می‌آید که یک بلاگر، روزنامه‌نگار یا پادکستر بدون پیشینه دانشگاهی بتواند به چنین عمق فکری دست یابد.

علاوه بر این، اگر دانشگاه با مشکلاتی مانند کاهش استانداردها و تفکر گروهی مواجه است، دیوانه‌وار به‌نظر می‌رسد اگر فکر کنیم فرهنگی عمومی که تحت سلطهٔ شبکه‌های اجتماعی است می‌تواند وضع بهتری داشته باشد.

از سوی دیگر، جامعهٔ مدرن برای کارکرد درست خود به «ماندارین‌ها» نیاز دارد، و بنابراین به نهادهایی برای آموزش آنها هم محتاج است. خیال‌پردازی تکنو-پوپولیستی جایگزین کردن بوروکرات‌ها با مهندسان هوش مصنوعی به همان اندازه بیهوده است که بیزاری آکادمیک از «قدرت»، زیرا مشکلات حکمرانی در نهایت انسانی و سیاسی‌اند، نه فنی. شکست‌هایی مانند جنگ علیه ترور، بحران بزرگ مالی و همه‌گیری کرونا دلایل خوبی برای بی‌اعتمادی به نخبگان هستند، اما همچنان به افرادی نیاز داریم که نظام‌های نظامی، مالی و بهداشت عمومی ما را هدایت کنند ــ و بهتر است این افراد، افراد شایسته‌ای باشند. اما چشم‌انداز وستبروک از دانشگاه فراتر از آموزش نخبگان است. او آینده‌ای ممکن برای روشنفکر ترسیم می‌کند: کسی که فعالانه با نهادهای بزرگ درگیر می‌شود، «میانجی» و منتقدی خیرخواه که به روان‌تر شدن چرخ‌های مدرنیته کمک می‌کند. به‌جای آنکه تظاهر کنند از قدرت فاصله دارند، دانشگاهیان باید بکوشند سازمان‌های قدرتمند را «انسانی‌تر» کنند؛ با ارائه دیدگاه‌ها و بینش‌های متفاوت، برای کاستن از خطاها و بی‌معنایی‌هایی که بوروکراسی‌ها به آن گرایش دارند. کنجکاوی و گفت‌وگو مفاهیم کلیدی اینجاست؛ گویی بخش زیادی از این کار میدانی قرار است در کافه‌ها، با هزینه شرکت‌ها انجام شود.

این شاید راهی مبتکرانه برای نجات نقش روشنفکر از نابودی باشد؛ با تبدیل آن به چیزی اجتماعی و مفید، و شاید حتی جذاب. حقیقت کلی‌تر این است که شتاب در آغوش گرفتن هوش مصنوعی، در پس‌زمینهٔ سواد رو به افول، باعث می‌شود علوم انسانی مهم‌تر شوند، نه کم‌اهمیت‌تر. متأسفانه، راه و رسم مدرن این نیست که فناوری‌های جدید را با اهداف مشترک خود سازگار کنیم، بلکه این است که جامعه را وادار به سازگاری با فناوری کنیم؛ امری که به احتمال زیاد سیستم‌های ما را نسبت به پیچیدگی‌های سوژه‌های انسانی‌شان بی‌پاسخ‌تر می‌سازد. این کاستی چیزی است که دانش و فهم انسانی باید آن را جبران کند. اما آنچه برای من باقی می‌ماند این پرسش است که آیا نمی‌توان جایی برای یادگیری صرفاً به‌خاطر خودِ یادگیری باقی گذاشت؟

معاون تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش:

اضافه شدن ۱۶۴۷ نیرو به حوزه تربیت بدنی

معاون تربیت بدنی و سلامت وزارت آموزش و پرورش با بیان اینکه در مجموع از طریق دانشگاه فرهنگیان و ماده ۲۸ نزدیک به ۱٦٤٧ نیرو به حوزه تربیت بدنی اضافه خواهد شد، گفت: نزدیک به ۹۰۰ مراقب سلامت از طریق دانشگاه فرهنگیان جذب خواهند شد. به گزارش ایسنا، محمد جعفری در یک برنامه تلویزیونی در خصوص طرح‌ها و برنامه‌های این معاونت با توجه به نزدیک شدن به ایام آغاز سال تحصیلی گفت: برنامه‌های ما بر اساس سیاست‌های کلی که از اسناد بالادستی منبعث شده، برنامه‌ریزی و طراحی شده است.

وی با بیان اینکه سه مولفه اصلی برای اجرای درس تربیت بدنی و فعالیت‌های سلامت محور در مدارس داریم، افزود: این مولفه‌ها شامل نیروی انسانی با کیفیت، فضا و تجهیزات و محتوا می‌شود.

جعفری با بیان اینکه در بحث نیروی انسانی حدود ۳۳ هزار معلم تربیت بدنی متخصص داریم، ادامه داد: کمبود هم در این زمینه داریم اما کمبود ها را از مسیر جذب از طریق دانشگاه فرهنگیان به دو شکل هموار می‌کنیم، یا در کنکور آزمون می‌دهند و طبق ظرفیتی که مشخص شده وارد می‌شوند و یا بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، بدون کنکور، استعدادهای برتری هستند که در سطح ملی و بین‌المللی مقام‌های برتر را کسب کرده اند.وی با بیان اینکه تا الان حدود ۱۵۹۵ دانش آموزی که مقام‌های ملی و بین‌المللی را داشتند در سامانه ثبت و دو برابر ظرفیتی که اعلام شده کارهای بعدی آنها انجام و پذیرش می‌شوند، اظهارکرد: مسیر بعدی از طریق ماده ۲۸ است که آزمون می‌دهند، مجموع دانشگاه فرهنگیان و ماده ۲۸ نزدیک به ۱٦٤٧ نیرو به حوزه تربیت بدنی اضافه خواهد شد، در حوزه سلامت هم با توجه به اینکه رشته بهداشت در ۲۷ دانشگاه علوم پزشکی محل تحصیل آنها خواهد بود نزدیک به ۹۰۰ مراقب سلامت از طریق دانشگاه فرهنگیان جذب خواهند شد.جعفری به موضوع فضا و تجهیزات ورزشی اشاره کرد و ادامه داد: با رویکردی که دولت و رئیس جمهوری در بحث توسعه عدالت آموزشی و تربیتی و کیفیت بخشی آموزش و پرورش دارند، کیفیت بخشی از طریق توسعه فضاهای ورزشی درون مدرسه ای با مشارکت مردم و مسئولان را در دستور کار قرار دادیم که میدان همدلی نام دارد.وی افزود: در راستای تامین تجهیزات برای اجرای درس تربیت بدنی و فعالیت‌های ورزشی نزدیک به ٦٤ هزار و ٦٦١ مدرسه تحت پوشش این بسته‌هایی که اعتبارش به استان‌ها ابلاغ شده، قرار گرفتند.

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد:
املاک متقاضی واقع در قریه سیاهرود پلاک ۲ اصلی بخش ۵ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۴.۲۲۸۳
رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۰۹۶۱۸ پلاک ۱۴۴۷ فرعی آقای مهدی بازی فرزند علی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۹۷۱.۴۰ مترمربع خریداری بدون واسطه/با واسطه از خانم زهرا مذاهبی.
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۶.۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۰۷.۰۵
شناسه آگهی: ۱۹۹۹۹۸۷
علی اکبر مقدسی‌فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.
املاک متقاضی واقع در قریه بلوآب پلاک ۱۰۷ اصلی بخش ۲ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۳.۰۹۷۸۰
رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۰۷۲۹۷ پلاک ۳۵۹ فرعی آقای امیررضا جاریانی فرزند رضا نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی (کاربری مسکونی) به مساحت ۲۱۲.۹۰ متر مربع خریداری بدون واسطه/با واسطه از آقای مسلم تمرقلتی خاصی.
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۶.۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۰۷.۰۵
شناسه آگهی: ۱۹۹۸۲٤٦
علی اکبر مقدسی‌فر رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر

آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی آمل مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:
املاک متقاضیان واقع در بخش ۱۰ ثبت آمل – دهستان لیتکوه
۳۴- اصلی (قریه نرم کتی)
۱۷ فرعی خانم زهرا حاجیان حسین‌آبادی در ششدانگ یک قطعه زمین با ساختمان احداثی با کاربری مسکونی به مساحت ۱۹۱.۸۰ مترمربع اعیانی حریم معبر با الزام در رعایت عرض گذر که یک دانگ و نیم مشاع از کل عرصه موقوفه است به مساحت ۲۳۸.۸۰ مترمربع. خریداری شده بلاواسطه از علی اسحاقی و مع‌الواسطه از محمدحسین حاجیان حسین‌آبادی و عاتکه عسگری.
لذا به موجب ماده ۳ – قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده – ۱۳ – آیین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی در روستاها از طریق الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۶.۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۰۷.۰۵
شناسه آگهی: ۱۹۹۷۶۸۹
حسن صالحی – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک آمل

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی نوشهر
نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰.۰۹.۲۰ املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی نوشهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می‌گردد.
املاک متقاضی واقع در قریه شکرکلا پلاک ۱۸ اصلی بخش ۱ قشلاقی کلاسه ۱۴۰۴.۱۱۲۶
رای شماره ۱۴۰۴۶۰۳۱۰۰۰۷۰۰۶۵۱۸ پلاک ۲۱۹۰ فرعی آقای محمد قربانی فرزند سیفعلی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین کشاورزی به مساحت ۲۶۶.۴۰ مترمربع خریداری بدون واسطه/با واسطه از آقای اسماعیل برزی.
لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی / کثیر الانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴.۰۶.۲۲
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴.۰۷.۰۵
شناسه آگهی: ۲۰۰۰۲٦۸
علی اکبر مقدسی‌فر – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان نوشهر